



12/05/2015

دکتور اکرم عثمان

آسمایی

## پرواز مرغ آتش از خاکستر مرگ



ما نه تنها تاریخ پرادوکسال (Paradoxal) داریم ، بلکه ما خود در بین تناقض های آشتی ناپذیر بسر میبریم و آدم های دمدمی مجزاج و درهم و برهم میباشیم . این مساله میرساند که ما در بسیاری کارها ، بی سنجش و بی ملاحظه عمل میکنیم ، بی توجه به ژرفای آب کلوخ میگذاریم و از رودبار خروشان میبریم و اگر آب از سر ما بگذرد از آن مثل معروف استفاده میکنیم که : «آب تا گلو بچه زیر پای!»- به این میگویند بر خورد سرسری به دشواری های حیات.

ماحصل این طرز رفتار این است که بعد از سالها آزمون خطا و تجربه و تمرین در انتخاب یک راه درست کماکان سرگشته و گمکرده راهیم ، یا از فرط هیجان پل و پلوان را خراب میکنیم و یا از شدت انفعال از دنیا و مافیها میبریم و جوگی وار به رمل و اصطرلاب پناه میبریم .

ما یا انقلابی میشویم یا صوفی و تارک دنیا . در انتخاب و اتخاذ راه میانه که دربرگیر محاسن و محامد هر دو مشرب باشد درمیمانیم . و این نکته میرساند که بر ما غرایز و کشش های عاطفی حکمفرماست . زیگموند فروید ، بزرگترین روانشناس قرن بیستم معتقد است که مجموع دستاورد دانشی و فرهنگی تبار انسان به مثابه لایه نازکی است که بر اقیانوس غرایز قرار دارد . توفانهای شدیدی در هر آن و هر لحظه این لایه نازک را تهدید میکند : اگر ما مواظب نباشیم توفان سهمگین ، آن قشر را پاره میکند و عمر کوشش ما را برباد میدهد . بنابراین ما «عادتاً مابین دو اکستریم» مثبت و منفی به داوری میپردازیم و در برخورد با هر قضیه یی ، مطلقاً خوب و یا مطلقاً بد میگوییم و در این میان از مرز اعتدال میگذریم و در داوری های اجتماعی نیز همین یک عامل ! را عمده میکنیم و مابقی را از نظر میاندازیم . و در مورد بالا نیز جانب توفان را میگیریم تا جانب فرهنگ را . از همین سبب عصبیت انقلابی راه به عمران و رفاه اجتماعی نمیبرد و کشور را از بنیاد ویران میکند.

تا جایی که من میدانم حرکت ما به طرف آینده و ترقی همه گانی «حرکت تقویمی!» است. روز به هفته ، هفته به ماه ، ماه به سال ، و سال به سده پیوسته است اما آمد و شد زمان ، کاری به کار ما نداشته است . ما همانیم که بودیم . ما به ندرت تحول ماهوی و اندیشه یی داشته ایم و دلیلش این است که ما هرگز و هیچگاه ناکارآمدی و انحطاط خود را به پرسش نگرفته ایم و از نظر اندیشه یی متوقف مانده ایم. به قول معروف «بجنبد زمین و نجنبد گل محمد!»

ما اکثراً به جای پیشرفت، پسرقت کرده ایم و حول یک دایره بسته چرخیده ایم. به این میگویند بن بست! و رفتار بی حاصل! و اسفا که هیچ کار مثبت ما از سطح به عمق نرفتند و ذات سترون ما را تغییر ندادند. بالاخره طشت رسوایی ما از بام افتاد و حقیقت اغراق گویی و لاف و گزاف ما آشکار شد. ما یک جامعه بی چرا داریم. اکثر ما افغانها چون موجودات کور و کر به استقبال حوادث میرویم. بی آن که بپرسیم کجا میرویم و چرا

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دليکنې دليکنيزې ښې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

میرویم. تنها کسی که طلسم سکوت را شکست شجاع دختری به نام «فرخنده» بود که از هفت خوان رستم! گذشت و تک و تنها ، صدها لگد نامردانه و وحشیانه را از مردهای نامرد به جان خرید و به ریش تاریخ و جهل و جنون ما خندید.

بدون اغراق او همان ققنوس افسانوی و یا مرغ آتش بود که از هرگاهی از آتشکده جاودان بلخ بامی به پرواز درمیآید و از تقدس آتش خبر میدهد.

زهی سعادت ما که یک شیردختر در سرزمین خواب آلود ما ، به عنوان نماد دلیری و استجاب سربلند میکند و علیه خرافه اندیشی و تاریک اندیشی قیام میکند .

فرخنده همواره و در مقاطع بسیار خاص زنده گی ، آن گاه که خواب خرگوشی و بیداری و بی تفاوتی بر ما چیره میگردد ، ظاهر میشود و نفعه بیداری را در گوش ها و روان های ما میدمد و تجدید حیات را بشارت میدهد. این که میگویند او از عاقبت پیکارش خبر نداشت، درست نیست - او خوب میدانست که درآمیختن با دیو و دد و گرگ بیابان چه عاقبتی به دنبال دارد . باشد که این فداکاری به ما مسأله و مدارا را بیاموزد و تا زنده هستیم سراغ ضعیف آزاری ، زن کشی ! و کودک کشی نرویم .

به سیل مطایبه در همین معروضه ذکر خیری از «گل محمد» کردم . از قضای روزگار در بدخشان زمین جنبید و صدها نفر را قورت کرد . اتفاقاً گل محمد ! خود ما (جناب حامد کرزی!) در دیداری با موسفیدان بدخشان وعده داد که نه تنها مرده تان را از زیر خاک بیرون میکنیم، بلکه برای خانواده های داغ دیده یک شهرک میسازم تا از بی خانمانی رنج نبرند !!

از قضای روزگار کرزی رفت و مرده ها زیر خاک ماندند. از همین جا است که ما به جایی نمی‌رسیم - بزرگان ما بر یخ مینویسند و در آفتاب میگذارند !!!

---

د پانو شمیره: له 2 تر2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ